

حقوق مرگ در نهج البلاغه

سیده شهربانو سلیمانی خراط *

چکیده

یکی از معانی حق، تکلیف است که در قاموس دین از امر و نهی‌های شارع مقدس و عباراتی از بیانات معصومین (ع) انتزاع می‌گردد. حق در این معنا به عنوان امری دو سویه در کلام امیرالمؤمنین علی (ع) مطرح شده است؛ به این معنا که هر جا حقی برای کسی باشد، تکلیفی نیز بر عهده اوست که باید در قبال دیگرانی که ملزم به رعایت حقوق او هستند، آن تکالیف را ادا کرده، حقوق متقابل آنها را پاس بدارد. حقوق، انواع و اقسام مختلفی دارد که یکی از تقسیمات آن حق‌الله و حق‌الناس است. از میان مجموعه حقوقی که انسان دارد، حق حیات به عنوان یکی از حقوق اساسی او مطرح است که رابطه‌ای تنگاتنگ با مرگ دارد. مرگ نیز چون حیات، حقی است که خداوند تعالی نسبت به انسان بر خود فرض کرده و انسان نیز متقابلاً باید وظایفی را در قبال آن مراعات نماید تا در هنگام مرگ با خیالی آسوده و به آسانی از این جهان رخت بریندد. مجموعه این وظایف، تحت عنوان کلی «حقوق مرگ» نامگذاری شده که عبارت است از: یادآوری مرگ و عبرت از مرگ گذشتگان، نزدیک پنداشتن مرگ و آمادگی برای آن، غنیمت شمردن فرصت برای توبه، تقوای پیشگی و انجام کار خیر، پرهیز از دنیاپرستی و مراقبت در مال‌اندوزی، شتاب در انجام وصیت، اشتیاق به شهادت و عدم آرزوی مذموم مرگ. در این نوشتار، حقوق مرگ از منظر نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژگان: حق، تکلیف، مرگ، نهج البلاغه